

منشین با بدان که صحبت بد

گرچه پاکی تو را پلید کند

آفتاب به این بلندی را

لکه ابر ناپدید کند

سعدی

موضوع: تأثیر همنشین

۱. مناجات شروع از آثار جمالقدم جل عزاسمه الاعلی

۲. کلمات مبارکه مکنونه

۳. دعای دسته جمعی

۴. لوح مبارک حضرت عبدالبهاء جل ثنائه

تنفس کوتاه

۵. نهی از معاشرت با منافقین

۶. معاشرت با نیکان

۷. میزان حس ناقص است

۸. شرط اول محافظه حصن حصین امرالله است

۹. چگونگی معاشرت با اشخاص بد عمل

۱۰. برنامه نونهالان و نوجوانان

۱۱. شور و پیشنهاد

۱۲. تنفس و پذیرایی

۱۳. مناجات خاتمه

۱. مناجات شروع

الهی الهی

اولیای خود را حفظ فرما توئی آن کریمی که عفت عالم را احاطه نموده بر عبادت رحم فرما و تأیید نما بر اعمال و اخلاق و اقوالی که لایق ایام توست . به یک کلمه علیا بحر بخششت مواج و به یک اشراق نیر امر آفتاب جود و غفران ظاهر و هویدا . همه بندگان تواند و به امید کرمت زنده اند دست قدرت از جیب قوت برآر و این نفوس در گل مانده را نجات ده . توئی مالک اراده و سلطان جود . لا اله الا انت العزیز الوهاب .

ادعیه حضرت محبوب

۲. کلمات مبارکه مکنونه

ای پسر کنیز من

اگر فیض روح القدس طلبی با احرار مصاحب شو زیرا که ابرار جام باقی از کف ساقی خُلد نوشیده اند و قلب مردگان را چون صبح صادق زنده و منیر و روشن نمایند .

زینهار ای پسر خاک

با اشرار الفت مگیر و مؤانست مجو که مجالست اشرار نور جان را به نار حُسبان تبدیل نماید .

ای پسر من

صحبت اشرار غم بیفزاید و مصاحبت ابرار زنگ دل بزدايد . مَنْ اراد ان یانسَ مَعَ اللَّهِ فلیأْ نَسْ مَعَ احبائه و مَنْ اراد ان یَسْمَعَ کلام الله فلیَسْمَعَ کلمات اصفیائه .

۳. لوح مبارک حضرت عبدالبهاء

ای سمندرِ نارِ موقده در سدره سینا ، جمالِ مبارکِ روحی و ذاتی و کینونتی لارقائه الفداء در اواخر ایام از فَمَ مطهر وعده فرمودند که به فیض مدرار و تأییدات ملکوت اسرار نفوسی مبعوث گردند و هیاکل مقدسی مشهود شوند که انجم سماء هدایتند و انوار فجر عنایت ، مظهر آیات توحیدند و مطلع انوار تقدیس ، مهابط الهامند و مشاعل انوار ، جبال راسخه اند و اطواد باذخه سُرج نورند و بُدور طهور ، وسائط الطافند و وسایل اعطاف ، منادی به اسم حقند و مبادی تأسیس بنیان اعظم . این نفوس شب و روز آرام نگیرند و آلام نبینند و فراغت نجویند . در مضجع راحت نیارمند ، آسوده ننشینند ، آلوده نگردند . اوقات را صرف نشر نفحات الله کنند و ازمان را وقف اعلاء کلمه الله . وجوهشان مستبشر است و قلوبشان منشرح و فؤادشان ملهم است و بنیادشان بر اساس اقوم . در ارجا عالم منتشر گردند و در بین امم مستغرق . در هر محفلی درآیند و در هر انجمنی مجمع بیاریند و به هر لسانی تکلم نمایند و هر معنی تفهیم کنند . اسرار الهی کشف نمایند و آثار رحمانی نشر کنند . چون شمع در شبستان هر جمع برافروزند و چون ستاره صبحگاهی بر جمیع آفاق بدرخشند . نفحات حدائق قلوبشان چون نسائم سحرگاهی آفاق قلوب را معطر نماید و فیوضات عقولشان چون باران بهاری هر اقلیمی را مخضّر کند . این عبد در نهایت انتظار است که این نفوس مبارکه کی موجود و این مظاهر مقدسه کی ظاهر و پدیدار گردند . شب و روز در تضرع و ابتهالم که آن نجوم بازغه مشرق و لائح گردند و آن وجوه مقدسه جلوه نمایند . افواج تأیید رسد و امواج توفیق از بحر ملکوت غیب واصل گردد مقصد این است که دعا و تضرع فرمائید که این نفوس به فضل جمال قدم زود مبعوث گردند . والبهاء علی کل وجه تنور بالنور اللائح من افق الملکوت ... انتهی

پیام بهایی شماره ۱۵۲ - ص ۳۰

۴. نهی از معاشرت با منافقین

حضرت عبدالبهاء در جواب سئوال سائل می فرمایند ، قوله الاحلی :

«... جميع احباء را از قبل من تحیت ابدع ابھی برسان شخصی بر من اعتراض نموده که تمدن الملک چرا طرد شد و حال آنکه باید جميع طوائف عالم را دوست داشت ولكن اینقدر ملاحظه نموده که نفس مبارک حضرت بهاء الله نفوسی را طرد نمودند و در کلمات مبارک نهایت تحذیر از معاشرت منافقین می فرمایند بلی با جميع طوائف عالم باید نهایت دوستی داشت ولی با منافقین معاشرت و الفت ممکن نیست زیرا مضرت بر امر واقع شود منافقین در امر رخنه نمایند و به کلی اساس امر الهی را از ریشه براندازند الفت با منافقین مانند آنست که انسان ماری را در قمیص خود پیوراند یا عقرب را در آستین منزل دهد جميع حواریین مسیح از یهودا اسخر یوطی اجتناب نمودند و همچنین در مکاتیب پولس مطالعه نمایید که چقدر منع از معاشرت با منافقین کرده است و همچنین بعد از حضرت موسی علیه السلام ملاحظه نمایید که منافقین اسرائیل گوساله پرستیدند حال اگر چنین واقع شود آیا باید با آنان به نهایت محبت آمیزش کرد و متابعت نمود؟ این چه فکر باطل است یک یاربعام منافق در زمان رجبام چه فسادی در میان بنی اسرائیل انداخت چقدر سبب فساد شد چقدر سبب ریختن خونها گشت اکثر اسباط بنی اسرائیل را نهایت به عبادت بعل مبتلا کرد آیا باید چنین انسانی را نهایت آمیزش و محبت و الفت نمود؟ یا آنکه باید نفوس را از چنین اشخاص محفوظ نمود ولی به جميع ملل عالم باید در نهایت محبت و مهربانی باشیم یعنی نفوسی که نمی دانند ، نه منافقین زیرا منافق سبب فساد عظیمی در میان آید ما با کسی نزاعی نداریم نهایتش این است که تمدن الملک بین اصحاب فتنه انداخت به درجه ای که نزدیک بود بکلی بنیان الهی برافتد بکرات توبه کرد بعد از توبه باز فساد کرد نهایت تلغرافی در حق او مرقوم گشت که تمدن الملک توخس است معاشرت با او جایز نیست و اگر چنین نمی شد بنیان الهی بکلی در طهران منهدم می گشت این عبد را مقصدی جز خیر عموم عالم انسانی نه اما اگر ماری مثل تمدن الملک هجوم کند مجبور بر آنم که احباء را بیدار کنم و اگر نکنم عندالله و عندالحق مسئولم ...»

مائده آسمانی ج ۲ - ص ۳۸ و ۳۹

۶. معاشرت با نیکان

افراد بهائیان به حکم محکم عاشروا مع الادیان کلها بالروح والریحان به حسن معاشرت و آمیزش با کلیه طبقات از هر دین و نژادی مأ مور و بدون اندک ابراز تنفر و انزجار جمیع بشر را بندگان خالق اکبر دانسته از انس و الفت با هیچکس روگردان نیستند بلکه همیشه سعادت واقعی خود را سعادت جامعه دانسته و از راه مصاحبت و معاشرت با نفوس و ابراز محبت و خلوص بی غل و غش حقایق اخلاقی و فضایل و کمالات مودوعه در دیانت مقدسه بهایی را با کمال عشق و صمیمیت به عموم افراد بشر نشان داده و با همه مأنوس و مألوف می گردند و بخصوص حشر و آمیزش با نیکان را مغتنم شمرده و استفاده از محضر چنین اشخاص را که به زیور علم و اخلاق آراسته اند برای خود فوز عظیم می شمارند و معتقدند که اینگونه صفات اخلاقی و ملکات روحانی از جمله مابه الامتیازهای انسان از حیوان است ولی از جهت دیگر نیز مراقبت و مواظبت می نمایند که از معاشرت اشخاص ناجنس احتراز جویند زیرا کسانی هنوز در بین مردم موجودند که بصورت انسان ولی در سیرت پست تر از هر حیوان ، این قبیل نفوس که به ذمائم اخلاقی دچار و از اطاعت امر پروردگار در کنارند و به پیروی از مشتبهات نفسانی و غرائز طبیعی خو گرفته اند در حقیقت مقام انسانیت خود را تنزل داده و همدریف حیوانات بل پست تر از آن گشته اند و مانند شخص مریضی می باشند که مبتلا به امراض ساریه شده و اطرافیان خود را به اندک تماسی آلوده می نمایند در این صورت چاره جز دوری و اجتناب نیست و مقتضی حال چنین است که همچنانکه از مریض مبتلا به امراض واگیر مانند مسلول و جذامی فرار اختیار می کنیم از نزدیکی و مصاحبت چنین اشخاص نیز بیزاری جسته اجتناب می نمایم مخصوصاً جوانان که آئینه دل آنان از زنگار حوادث پاک و از هر آلاشی مبرا و تابناک است در انتخاب معاشر و رفیق خود باید نهایت دقت و مراقبت را بکار برده و همیشه سعی نمایند شخص منظور از جهت کمالات صوری و معنوی ممتاز باشد زیرا شخصیت اخلاقی و علمی هر کس، از معاشرین او معلوم می گردد و ضرب المثل معروف بگو بمن معاشر تو کیست تا بگویم که تو کیستی در این مقام نقاب از چهره زیبای خود می گشاید .

اخلاق بهایی صص ۸۹ و ۹۰

۷. میزانِ حسِ ناقص است

حضرت عبدالبهاء می فرمایند قوله الاحلی:

نفوسی که تصدیق نموده اند و به هدایت پرداخته اند و حال بکلی به پریشانی فکر مبتلا شده اند سبب این است که این اشخاص با نفوس غافله معاشر گشته اند و مخالفت نص صریح الهی نموده با اشرار الفت گرفتند و مؤانست جستند این است که می فرمایند: مجالست اشرار نور جان را به نار حُسبان تبدیل نماید. زیرا ممکن نیست که شخص سالمی با شخص مسلولی و یا مجذومی الفت نماید و علت سرایت نکند امروز جمعی بیخردان که مانند حیوان اسیر طبیعتند و از جهان الهی خبر ندارند با هر نفسی الفت کنند القاء شبهات نمایند کم کم این سم مهلک در نفوس مستمعینی تأثیر کند زیرا غافلین این ایام را میزانِ ادراک، حس است و میزانِ حس، ناقص است...

مائده آسمانی ج ۲- ص ۳۵

۸. شرط اول محافظه حصن حصین امرالله است

حضرت عبدالبهاء می فرمایند، قوله الجلیل:

شرط اول محافظه حصن حصین امرالله است و آن جز به فراست کامله و هوشمندی و بیداری و نظر و تدبّر در عواقب امور و اعتدال و حکمت در ترویج امر بهاء و عدم تداخل در امور سیاسی و صدق و آشتی با کل دول و ملل عالم تحقق نپذیرد باید کل بیدار باشیم ولی نه متجاسر. حقایق امریه را به دلیل و برهان و رزانت و عزت و وقار اظهار داریم ولی در حین اثبات و اقناع، الحاح و اصرار و مجادله ننمائیم... با جمیع ادیان به روح و ریحان معاشرت نمائیم و با ملل و فرق مختلفه هر یک مخالطه و مکالمه نمائیم و با هر طبقه ایاز طبقات نفوس خود را محشور سازیم ولی زنهار زنهار که گرگ خونخوار در صف اغنام الهی راه یابد و مخرب بنیان در جمع اهل بهاء داخل شود و ابرص سقیم به هیکل سلیم امرالله تقرب یابد اگر این دو حکم محکم که معاشرت و الفت و مجالست با ابرار از تمام اهل عالم و مجانبت اشرار و اغیار است کاملاً متماداً معمول گردد چندی نگذرد که ندای جانفزای امر بهاء هر مستمع هوشمند را از تمام طبقات و اکناف اهل عالم جذب نموده، هدایت نماید و این جنود مؤیده امرالله از آفت اغیار و از خلل خارجه محفوظ و مصون ماند.

مائده آسمانی ج ۶ ص ۷۲

۹. چگونگی معاشرت با اشخاص بد عمل

از بیانات شفاهی حضرت عبدالبهاء در سفرنامه امریک صفحه ۶۵ چنین آمده است :

سؤال از چگونگی معاشرت با اشخاص بد عمل کردند فرمودند آن نیز دو قسم است قسمی ضررش به خود صاحب عمل راجع است و متعدی نیست البته باید به حکمت شخص بد عمل را آگاه و تربیت نمود مریض است باید او را شفا داد اما قسمی است که ضررش به دیگران می رسد و معاشرت با چنان شخص سبب سوء اخلاق می شود در این صورت حشر با آن نفوس جائز نه مگر برای کسانی که بر منع و تربیت قادر و غالب باشند و حتی الامکان سبب تعدیل اخلاق و تحسین اطوار گردند و الا حفظ هیئت اجتماعی از مضرات اعمال آنگونه اشخاص ، راجع به مراکز عدل و داد است . اینست که در الواح جمال مبارک هم حکم محکم معاشرت با ادیان و وحدت عالم انسان است و هم منع الفت با اشرار و لزوم احتراز از اهل نفی و انکار انتهی .

اخلاق بهایی ص ۹۲

۱۵. مناجات خاتمه

هو الله

ایخداوند یاران هوشمند را بنواز، عیش روحانی مهیا ساز ، بزم ربانی بیارا و جمال نورانی بنما ای پروردگار ابرار را بزرگواری کن و فیض ابدی آشکار کن اسرار پدیدار نما و انوار انتشار ده هر دلی را همدم یادت کن و هر چشمی را روشن و بینا . دوستان را عزیز کن و یاران را با فرهنگ و تمیز نما هر یک را شمع جمع کن و شاهد انجمن نما و سرو این چمن کن و طاوس این گلشن نما تا جهان را تزئین بخشند و این نور مبین منتشر نمایند و جبین به پرتو فیض قدیم بیاریند . توئی مقتدر و توانا و توئی دهنده و بخشنده و بینا لا اله الا انت الکریم الرحیم المعطی الفضال ع